

## تأثیر فارسی بر زبان بنگالی

محمد عبدالصبورخان\*

### چکیده

قبل از این که در منطقه بنگلادش حکومت مسلمانان برقرار بشود، گسترش زبان فارسی و دین اسلام در آنجا شروع شده بود. از ۱۲۰۴م (اواخر قرن ۶ق)، زبان فارسی در سرزمین بنگال عمیقاً ریشه گرفت و بعد از آن تا ۱۸۳۷م، زبان فارسی، زبان رسمی شبه قاره هند بود. طی این قرن‌ها زبان فارسی بر زبان بنگالی تأثیرات زیادی گذاشته و بسیاری از واژه‌های فارسی به این زبان نفوذ پیدا کرده است که تعداد این واژه‌ها در حدود ۶۰۰۰ است. در این مقاله پس از بیان تاریخچه گسترش اسلام و زبان فارسی در بنگلادش، واژه‌های فارسی راه یافته به زبان بنگالی شناسایی شده است.

کلید واژه‌ها: ایران، زبان فارسی، بنگلادش، زبان بنگالی، پیشینه تاریخی، روابط فرهنگی، گسترش اسلام، واژه‌های فارسی.

## مقدمه

بنگلادش کشوری است که از زمان قدیم دارای فرهنگ و تمدن پرارزشی بوده است. مردمان این کشور از آغاز تاریخ با سرزمین ایران روابط فرهنگی و دینی داشته و هنوز هم دارند. به نظر مورخان گروهی از آریایی‌ها بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م. از راه سمرقند و بخارا وارد ایران و گروه دیگری از راه خیبر به شبه‌قاره هند وارد شدند. در واقع از همان زمان، بین ایران و شبه‌قاره هند، روابط فرهنگی و زبانی برقرار شد. شباهت‌هایی که بین زبان باستانی ایران، «اوستا» و قدیمی‌ترین زبان این منطقه، «سنسکریت» وجود دارد، یکی از بارزترین ادله این روابط است. شایسته یادآوری است که در زمان زرتشت (۱۱۰۰ - ۷۰۰ ق.م) زبان مردم ایران و شبه‌قاره به هم نزدیک بوده است. امروز زبانی که مردم این سرزمین سرسبز برای تبادل و تفهیم احساسات خود به کار می‌برند، «زبان بنگالی» نام دارد که یکی از چهار زبان شاخه هندی شرقی از زبان‌های هندوایرانی و از خانواده هندواروپایی است.

قبل از این که مسلمانان در این منطقه به حکومت برسند، زبان بنگالی به عنوان زبان رسمی این منطقه جایی نداشت. قابل توجه این است که قبل از ورود مسلمانان، در این منطقه بودایی‌ها و هندوها حکومت می‌کردند. زبان رسمی آن‌ها زبان سنسکریت بود؛ فقط مردم عامه، به ویژه طبقه پایین، به زبان بنگالی گفت‌وگو می‌کردند. به عقیده آن‌ها کسانی که به زبان بنگالی صحبت می‌کنند، به دوزخ «روراب» انداخته خواهند شد. ولی بعد از این که بنگال به دست اختیارالدین محمدبن بختیار خلجی در سال ۱۲۰۴ م (اواخر قرن ششم هجری قمری) فتح شد، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی بنگال معرفی شد و بعد از آن تا ۱۸۳۷ م، یعنی تا ۸۰ سال بعد از ورود شرکت شرقی هند به بنگال، زبان فارسی نه تنها زبان رسمی شبه‌قاره هند، بلکه زبان اداری و فرهنگی هم بود.

طی این دوره‌ها حاکمان شبه‌قاره هند به ویژه بنگال، از یک سو به ترویج زبان فارسی می‌پرداختند و از سوی دیگر زبان بنگالی را هم بسیار پشتیبانی می‌کردند. در نتیجه بسیاری از واژه‌های فارسی به زبان بنگالی نفوذ پیدا کرد که هنوز هم در زندگی روزمره مردم این منطقه از آن استفاده می‌شود. تعداد این واژه‌ها بیش از ۶۰۰۰ است.

## نژاد بنگالی و زبان بنگالی

کلمه «بنگال» از زمان‌های بسیار دور، در ادبیات سنسکریت آمده است؛ اما در منطقه جنوب شرقی آسیا، مرزهای شناخته شده‌ای ندارد. از میان گروه‌های مهاجر هندوآریایی به شمال هند، گروهی در منطقه‌ای به نام «بنگ» که امروزه بنگال نام دارد، ساکن شدند. در قرن سوم پیش از میلاد، در این منطقه امپراتوری «موریا» حکمرانی می‌کرد و از قرن هشتم شاهان و حاکمان شمال هند، آن‌جا را به تصرف خود درآوردند که تا قرن دوازدهم میلادی ادامه داشت. اولین بار کلمه «بنگلا» در زمان سلطنت اکبر شاه (۱۵۴۲-۱۶۰۵ م) به کار برده شد. گمان می‌شود گروهی که در این منطقه متوطن شده بودند، به اسم این منطقه «بنگالی» نامیده و به زبانی که آنان سخن می‌گفتند، زبان بنگالی گفته می‌شود که امروزه زبان رسمی کشور بنگلادش و بنگال غربی (از ایالت‌های هند) است. غیر از مناطق یاد شده، مردم آسام، آوریسه و برخی نقاط بهار (بیمهار) نیز به این زبان سخن می‌گویند.

«زبان بنگالی» یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های شبه‌قاره هند به شمار می‌رود و یکی از چهار زبان شاخه هندی شرقی از زبان‌های هندوایرانی و از خانواده هندواروپایی است. امروزه حدود چهارصد میلیون نفر به این زبان گفت‌وگو می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که در میان زبان‌های جهان، زبان بنگالی براساس شمار کسانی که به آن سخن می‌گویند، ششم یا (به نظر برخی از زبان‌شناسان) هفتم و در شبه‌قاره هند نیز دومین زبان پس از زبان هندی است. به نظر «دکتر بارنارد کامری» که در سال ۱۹۹۸ م. در دانشنامه انکرتا اشاره کرده است، براساس تعداد سخنگویان، زبان بنگالی پنجمین زبان جهان و طبق اطلاعات (comrie (1998), weber (1997) and the summer institute for Linguistics (SIL) سال ۱۹۹۹ م. چهارمین زبان است. این مؤسسه اعلام کرد که از هر ۳۵ نفر، یک نفر به زبان بنگالی سخن می‌گوید.

برخی سرچشمه این زبان را «پراکیت» قدیم نامیده‌اند. زبان‌های پراکیت گروهی از زبان‌های هندی میانه جدا شده از سنسکریت یا زبان‌های مشابه آن بودند که توده مردم هند از سیصد سال پیش از میلاد تا سده سیزدهم میلادی به آن سخن می‌گفتند.

تاریخچه تحولات زبان بنگالی را به سه دوره ابتدایی، اسلامی و جدید تقسیم

کرده‌اند:

۱- زبان بنگالی در دوره نخست تنها یک گویش محلی و ناستوار بود و حتی خود

بنگالی‌ها و دانشمندان هندو چندان اعتنایی به آن نداشتند. الفبای آن نیز در این دوره شکلی ابتدایی داشت که تا پایان دوره، به‌ویژه در سدهٔ دوازدهم میلادی، به شکل تکامل یافته‌اش نزدیک شد. جزوه‌های تعلیمات صوفیات آیین بودایی، مانند اشعار چاریه و آثار رمایی پاندیت، در ستایش راجایان و امرا، و سرودهای روحانی در بیان شجاعت و توانایی خدایان که نخست از آن آیین بودایی بودند و بعدها، بنابر ذوق هندوان، تغییر کردند؛ مثل شرح‌ودمان کولین از برهمنان، از جمله آثاری است که به زبان ابتدایی بنگالی به جا مانده است.

۲- زبان بنگالی در واقع در روزگار اسلامی (در آغاز سدهٔ سیزدهم میلادی) بنیاد گرفت و از همین زمان ادبیات آن با بهره‌گیری از موضوعات اسلامی، واژه‌های و ادبیات فارسی در مسیر رشد افتاد.

۳- دورهٔ جدید زبان بنگالی با تسلط انگلیسی‌ها به سرزمین بنگال آغاز شد. این سلطه به کاهش نفوذ فارسی در زبان بنگالی و کندی روند شکوفایی آن انجامید. فراموش نکنیم که زبان بنگالی، تنها زبانی است که مردم برایش جنگیده و حتی شهید داده‌اند. در سال ۱۹۴۷ م. زمانی که شبه‌قارهٔ هند از شرکت شرقی هند بریتانیا مستقل شد و دو کشور به نام هندوستان و پاکستان به وجود آمد، بنگال شرقی شامل پاکستان و به نام پاکستان شرقی معرفی شد. با وجود این که نزدیک به ۵۶ درصد از جمعیت پاکستان به زبان بنگالی سخن می‌گفتند و تنها ۳/۶۵ درصد به زبان اردو صحبت می‌کردند، محمدعلی جناح زبان «اردو» را رسمیت داده بود. این حرکت، اعتراض مردم پاکستان شرقی را برانگیخت؛ به‌ویژه دانشجویان مسلمان در ۲۱ فوریهٔ سال ۱۹۵۲ م. در «داکا» (پایتخت بنگلادش کنونی) علیه حکومت آن زمان ایستادند؛ حکومت مرکزی به شدت سعی کرد آن‌ها را سرکوب کند و حتی چند نفر از دانشجویان را به شهادت رساند. اما سرانجام تصمیم گرفت که زبان بنگالی را با خط اردو متداول کند؛ ولی باز مردم بنگال به دفاع از زبان خود برخاستند و حکومت مجبور شد زبان بنگالی را هم در کنار زبان اردو به عنوان یکی از زبان‌های رسمی پاکستان رسمیت بدهد. در سال ۱۹۹۹ م. یونسکو به مناسبت این نهضت، روز ۲۱ فوریه را به عنوان «روز زبان‌های مادری جهان» اختصاص داد.

قدیمی‌ترین آثار ادبی بنگالی که چرچاپاد نام دارد، به قرن هفتم میلادی مربوط می‌شود و از چهره‌های ادبی این دوره می‌توان به «میر مشرف حسین»، «ویدیا ساگار»،

«قاضی نذرااسلام» - شاعر ملی بنگلادش - و «رابیندرانات تاگور» اشاره کرد که از میان آن‌ها آثار «تاگور» در سال ۱۹۱۳ م. جایزه نوبل را کسب کرد.

### پیشینه تاریخ و روابط فرهنگی بین ایران و بنگلادش

به نظر مورخان بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ ق. م. دسته‌ای از آریایی‌ها از راه سمرقند و بخارا وارد ایران شدند و دسته دیگری از راه خیبر به شبه‌قاره هند آمدند. در واقع از همان زمان بین ایران و شبه‌قاره هند روابط فرهنگی و زبانی برقرار شد. شباهت‌هایی که بین زبان باستانی ایران (اوستایی) و قدیمی‌ترین زبان این منطقه (سنسکریت) وجود دارد، از بارزترین دلایل این روابط است. گفتنی است در زمان زرتشت (۱۱۰۰-۷۰۰ ق. م.) زبان مردم ایران و شبه‌قاره به هم نزدیک بود. از سوی دیگر وقتی که (حدود ۳۳۱ ق. م.) اسکندر مقدونی (Alexander the Great) در جنگ «اربوله» ایرانیان را شکست داد و در ایران امپراتوری یونانی را تأسیس کرد، تعداد زیادی از آریایی‌ها به هند مهاجرت و در آنجا سکونت کردند. آن‌ها زبان فارسی را با خود به همراه آوردند؛ از آن زمان بین مردم بنگال و آن زبان، آشنایی و روابط عمیقی ایجاد شد. زبان فارسی بعد از آن با تاجران، مهاجران، کالاهای تجارتی ایرانی، سربازان، مهندسان، کارگران، صوفیان، درویشان و هنرپیشگان ایرانی، به بنگال وارد شد. رفته رفته روابطشان به دربارهای راجاهای بنگال و جامعه و هنر و ادبیات و فرهنگ توسعه یافت و روابط عمیقی بین دو ملت برقرار شد.

### گسترش اسلام و زبان فارسی

به نظر عبدالله دامشکی - سیاح مشهور عرب و جغرافی‌دان در چمپه (ویتنام و کمبوج کنونی) در دوره حضرت عثمان (رضی الله عنه) پیشرفت مسلمانان شروع شده بود و برای رفت و آمد بین ویتنام و مالزی از بندر چیتاگانگ به عنوان بندر مهم استفاده می‌شد. این اطلاعات نشان می‌دهد که در این زمان مسلمانان به این منطقه (بنگلادش) وارد شده بودند. ولی نخستین پایه‌گذار حکومت اسلامی در بنگال را اختیارالدین محمدبن بختیار خلجی می‌دانند. هنگامی که بنگال به دست اختیارالدین محمدبن بختیار خلجی در سال ۱۲۰۴ م. (اواخر قرن ششم هجری قمری) فتح شد، زبان فارسی در سرزمین بنگال عمیقاً ریشه گرفت و دین اسلام هم گسترش وسیعی پیدا کرد؛ زیرا قبل

از آمدن مسلمانان فاتح به بنگال، حکومت در دست راجاهای هندو و زبان رسمی آن‌ها و پیشوایان دین هندو، سنسکریت بود؛ درحالی که مردم عامه به زبان بنگالی گفت‌وگو می‌کردند. راجاها و برهمن‌ها زبان بنگالی را دوست نداشتند و به‌نظر، حقیر می‌شمردند. به همین سبب یک زبان ارتباطی مرکزی و ملی وجود نداشت. وقتی که حکمرانان مسلمان، بنگال را فتح کردند، نظر عنایت و التفات خود را به زبان بنگالی منعطف نمودند؛ زیرا می‌خواستند رابطه خوبی با مردم این کشور پیدا کنند. پس در کنار زبان رایج فارسی، زبان بنگالی را هم پشتیبانی می‌کردند. در نتیجه مردم عامه این منطقه از زبان فارسی هم استقبال می‌کردند. بعد از آن در هند شمالی حکومت مسلمانان برقرار شد و در سراسر هند گسترش یافت. در نتیجه آن در دوره حکومت اکبر شاه (۱۵۴۲-۱۶۰۵ م.) منطقه بنگال به دست حکمرانان مسلمانان افتاد تا سال ۱۷۵۷ م. که بنگال و تمام شبه‌قاره هند تحت حکمرانی مسلمانانی بود که اکثرشان از نسل ایرانی و ترک و افغانی و زبانشان فارسی بود.

طی این دوره‌ها توده‌های مسلمانان به بنگال وارد و در آن‌جا متوطن شدند. گروه زیادی از آنان، صوفیان و مبلغانی بودند که مردم را به زبان شیرین فارسی و موعظه حسن به اسلام دعوت می‌کردند. مردم عامه هم دعوتشان را می‌پذیرفتند و دین اسلام را قبول می‌کردند. در نتیجه از یک‌سو تعداد مسلمانان به سرعت افزایش یافت و از سوی دیگر، صوفیان و مبلغانی که اکثرشان فارسی‌زبان بودند، وقتی که پیام محبت و عشق الهی را به زبان فارسی ساده و شیرین - که با زبان بنگالی درآمیخته بود - بیان می‌نمودند و در لابه‌لای سخنشان ابیات و قصه‌های شیرین فارسی را هم به زبان می‌آوردند، مردم بنگال در حلقه اثر و جذب آنان قرار می‌گرفتند و علاوه بر این که دین اسلام را قبول می‌کردند، از زبان افسونگر فارسی نیز تأثیر می‌پذیرفتند.

ایرانیان از اوایل قرن سیزدهم میلادی که حکومت مسلمانان در بنگلادش آغاز شد، به این منطقه آمدند. اولین فاتح بنگلادش «اختیارالدین محمد بن بختیار خلجی» تُرک از قبیله خلج بود. در زمان حکومت محمد بختیار، بعضی از ایرانیان دارای پُست‌هایی در بنگلادش بودند.

سرانجام محمد بختیار پس از لشکرکشی به «تبت» و شکست و مراجعت از آنجا، به دست یکی از امرای خود به نام «علی مردان» (که مردی دلیر و بی‌باک بود و حکومت «ناکوتی» را داشت) کشته شد و علی مردان خود را به عنوان حاکم بنگال

اعلام کرد. گفتنی است که در دوره حکومت علی مردان (۱۲۰۹-۱۲۱۶ م) نخستین کتاب فارسی در بنگال نگاشته شد که اصل آن آمرت کند (Amrit kunda) نام داشت و به زبان سنسکریت بود؛ مصنفش «وزر» نام داشت که یکی از دانشمندان و صوفیان بزرگ بهرامن بود. وی به قصد مذاکره با صوفیان و مسلمانان مهاجر، از «کامروپ» به پایتخت بنگال (لاختوتی) می‌رسد و در آنجا با قاضی رکن‌الدین سمرقندی ملاقات می‌کند و بعد از مباحثه مذهبی و مطلع شدن از مراقبه و مشاهده، دین اسلام را می‌پذیرد و کتاب خود را که در موضوع مشاهدات نوشته بود، به قاضی اهدا می‌کند. قاضی آن را به فارسی برمی‌گرداند و «بحر حیات» می‌نامد.

قدم دیگر درخصوص پیشرفت زبان فارسی در سال ۱۲۷۹ م، در زمان ورود بغراخان و پدرش غیاث‌الدین بلبن به لاختوتی برای دفع قیام ملک عزالدین طغرل برداشته شد. شمس دبیر و قاضی اثیر، امیر خسرو و حسن سجزی نیز همراه او بودند و پس از دفع قیام، چون غیاث‌الدین بلبن (سلطان دهلی) در سال ۱۲۸۱ م. پسر کوچک خویش ناصرالدین محمود بغراخان را به حکومت بنگال مأمور کرد، شمس دبیر از طرف پادشاه دهلی به سمت میر منشی بغراخان منصوب و حضورش در بنگال سبب پیشرفت زبان فارسی شد. او سعی کرد که امیر خسرو در لختوی، وابسته به دربار بغراخان بماند؛ ولی امیر خسرو به دهلی مراجعت کرد. وی در مدح بغراخان چند قصیده به فارسی سرود که شماری از آن‌ها در کتاب منتخب التواریخ ارائه شده است.

پس از خلجی‌ها در سال ۱۲۷۷ م. سلطان شمس‌الدین التتمیش از قبیله ایلبری ترکستان به حکومت رسید.

اولین سلطان ایرانی و اهل سیستان «سلطان شمس‌الدین عبدالمظفر الیاس شاه» بود که در سال ۱۳۴۲ م. در لاختوتی به حکومت رسید و سلسله‌ای را بنیان گذاشت که ۷۲ سال دوام داشت. مهم‌ترین نقش شمس‌الدین در تاریخ بنگلادش این بود که او با حکومت خود برای اولین بار تمام بنگلادش را متحد ساخت.

الیاس شاه در سال ۱۳۵۷ م. (۷۵۸ ه. ق) فوت کرد. پس از او پسرش اسکندر شاه و بعد از او پسر نام‌برده به نام سلطان غیاث‌الدین اعظم شاه در ۱۳۸۹ م. به تخت نشست که حکومتش تا ۱۴۰۹ م. ادامه داشت.

غیاث‌الدین به سبب اقدامات صلح‌جویانه و احترام به قانون اسلام، محبوب‌ترین و پُر جاذبه‌ترین چهره تاریخ بنگلادش است. به قول محقق مشهور اس. ام. اکرام، دوره

حکومت غیاث‌الدین دورهٔ طلایی فارسی در بنگلادش بوده است. وی شخصی فاضل و ادب‌دوست بود. شاعران و ادیبان فارسی را پشتیبانی می‌کرد و خود نیز اشعار فارسی می‌سرود. وی معاصر با حافظ شیرازی بود، با او مکاتبه داشت و حتی از حافظ به بنگلادش دعوت کرده بود. حادثه‌ای که موجب شد او را به بنگلادش دعوت کند بسیار جالب است.<sup>۱</sup>

در زمان رکن‌الدین بریک (۱۴۵۹-۱۴۷۴ م.) کتابی به نام شرفنامهٔ منیری یا فرهنگ ابراهیمی نوشته شد. مؤلف این کتاب ابراهیم قوام فاروقی نام داشت. وی در این فرهنگ فارسی علاوه بر شعر خود، از ابیاتی از ملک‌الشعراء امیرزین‌هراتی و از فرهنگ امیرشهاب‌الدین حکیم کرمانی که در زمان او در بنگال می‌زیستند، استفاده کرده است.

در عصر سلطان علاء‌الدین حسین شاه (۱۴۹۳-۱۵۱۹ م.) زبان فارسی پیشرفت زیادی کرد. وی در گسترش دین اسلام نیز نقش مهمی داشت. سلطان علاء‌الدین دانشمندان و محققان مذهبی دور و نزدیک را به ملک خود فرا خواند و برای ترویج و رشد علوم اسلامی در ۱۵۰۲ م. در «گره شهید» مدرسهٔ عالی‌ای تأسیس کرد و در پاندوا به یادگار نورقطب‌عالم، کالج دیگری را بنیان گذاشت و بخشی از املاکش را به عنوان هزینهٔ این مدارس به این مؤسسات اهدا نمود. در این مؤسسات زبان فارسی و عربی تدریس می‌شد.

سلطان علاء‌الدین نه تنها زبان فارسی را زبان رسمی خود قرار داد، بلکه در ترویج زبان محلی (زبان بنگالی) نیز کوتاهی نکرد. دورهٔ علاء‌الدین حسین شاه و نصیرالدین

۱. ماجرا از این قرار بود که: ناگهان سلطان به سختی مریض شد و به سه نفر از زنان حرم‌سرایش به نام‌های سرو، گل و لاله دستور داد که پس از مرگش، آن‌ها او را بشویند. اما وی بهبود یافت. زنان دیگر به آن سه زن حسادت کرده، به آن‌ها «غساله» می‌گفتند. سلطان برای به دست آوردن دل آن‌ها خواست قصیده‌ای بسراید؛ اما فقط موفق به سرودن یک مصراع شد. شاعران دربار نیز نتوانستند وی را کمک کنند. سرانجام سلطان شعر ناتمام خود را به حافظ فرستاد و در ضمن از وی دعوت کرد. می‌گویند حافظ بار سفر را بست و آمادهٔ سفر شد؛ اما دریا طوفانی شد. پس حافظ از رفتن منصرف شد و شعر او را که در قالب غزلی سروده بود، به سلطان هدیه کرد که چند بیت آن چنین است:

ویسن بحث با ثلاثهٔ غساله می‌رود  
کار این زمان ز صنعت دلاله می‌رود  
زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود  
غافل مشو که کار تو از ناله می‌رود

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود  
می‌ده که نوعروس چمن حد حسن یافت  
شکرشکن شوند کمون طوطیان هند  
حافظ ز شوق مجلس سلطان غیاث دین



نصرت شاه (۱۵۱۹-۱۵۲۲ م) به سبب فعالیت‌هایی که ذکر شد، عهد زرین زبان بنگالی خوانده می‌شود. در این زمان زبان بنگالی بسیار پیشرفت کرد و بین هندوان و مسلمانان رابطه‌ای اجتماعی و فرهنگی برقرار شد؛ هر دو ملت آن قدر به یکدیگر نزدیک شدند که شاعران هندو نیز از موضوعات اسلامی و واژه‌های فارسی در اشعار خود استفاده می‌کردند. همچنین در زمان ایشان داستان‌های رزمی از سنسکریت به زبان فارسی نیز ترجمه شد.

ابیات ذیل را که به «بهارت چند»، یکی از مشهورترین شاعران هندو، منسوب است، به عنوان نمونه بررسی می‌کنیم:

ÓMR#e Kviejv mwZ`AvRe K\_v jkKi`y wZb j|| Av`wg tZvgviÓ

غضب کربلا شتی عجب کتھا لشکر دو تین راکه آدمی تمار

«راستی غضب کربلا عجب حرف است لشکران دو یا سیصد هزار نفر است»

در این بیت واژه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده، یا فارسی یا عربی است.

با ملاحظه ۳۰۰ تاریخ زبان فارسی در بنگلادش، این نکته به خوبی روشن می‌شود که طی این سال‌ها زبان فارسی که به عنوان زبان رسمی بنگلادش بوده، در زبان مردم عامه و کوچه بازار و در آثار شاعران و ادیبان هندو نیز نفوذ زیادی پیدا کرده است و در نتیجه در آثار بنگالی دوره میانه، مانند اشعار «برو چاندی داش» و «چیری کرشنا کیرتان» واژه‌هایی فارسی دیده می‌شود و آثاری که «پادما پوران» یا «منشا منگال»، نام دارد، در منطقه جنوب بنگال (بریسال) در سال ۱۴۸۴ م. نگاشته شده است و شاعر آن «بیجای گوپتا» که از هندوهاست، در این آثار ۱۸ هزار بیتی، از ۱۲۵ واژه فارسی استفاده کرده است.

### نقش صوفیان در گسترش زبان فارسی و دین اسلام

در گسترش زبان فارسی و دین اسلام در بنگلادش، صوفیان هم نقش مهمی ایفا کردند. صدها نفر از مریدان و پیروان آن‌ها طی ادوار مختلف وارد بنگال شدند و به شهرها و روستاها و حتی به دورترین نقاط این منطقه راه یافتند و روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده شد؛ آن‌ها در ترویج دین و حمایت از آن می‌کوشیدند.

صوفیان هرکجا که وارد می‌شدند، به واسطه حسن اخلاق و قدرت فوق‌العاده روحانی و هم چنین رفتار شایسته‌شان نسبت به عواطف انسانی و فرهنگ اسلامی،

روحانی و هم‌چنین رفتار شایسته‌شان نسبت به عواطف انسانی و فرهنگ اسلامی، توده‌های غیرمسلمان را مجذوب خود می‌کردند. در حوالی «مالده» و «دیناج‌پور»، واقع در شمال بنگال، در نتیجه فعالیت‌های شیخ جلال‌الدین تبریزی و پیروان او، اسلام توسعه و ترویج یافت. در این خصوص در کتاب‌ها آمده است که وقتی شیخ جلال‌الدین تبریزی به «پندوا» وارد شد، مردم دسته دسته به سوی او می‌آمدند و در حضورش دین اسلام را می‌پذیرفتند.

طبق روایت ابن بطوطه، اهالی سیلهت در نتیجه تبلیغات دینی شاه جلال‌الدین مجرب، مسلمان شدند. ادبیات محلی، روایت ابن بطوطه را تصدیق می‌کند. هم‌چنین از ترانه‌های محلی مردم بنگال چنین برمی‌آید که در سیلهت صدها نفر هندو بودند که در میان آن‌ها حتی یک نفر هم مسلمان نبود؛ اما توسط همین شاه جلال مجرب مسلمان شدند و او به مردم نماز خواندن را آموخت.

گذشته از توسعه دین اسلام، روحانیان دینی نقش برجسته‌ای در گسترش و تحکیم حکومت اسلامی در بنگال ایفا کردند، که این نقش یا به دست خود صوفیان یا از طریق همکاری با سرداران اسلامی دورترین مناطق گسترش می‌یافت.

در زمان قدیم، در سراسر شبه‌قاره، اکتساب علوم اسلامی برای صوفیه اجباری بود. می‌توان گفت که خانقاه‌های صوفیان مهم‌ترین مراکز فرهنگ و تمدن اسلامی بود که در آن‌جا شاگردان در دروس علوم دینی و روحانی حضور می‌یافتند. شایسته ذکر است که در این خانقاه‌ها زبان فارسی به عنوان زبان تحصیلی و تدریسی به کار می‌رفت.

مولانا شیخ شرف‌الدین ابوتوامه، یکی از علما و مشایخ متبحر بنگال در قرن سیزدهم میلادی، کتابی در موضوع تصوف به نام مقامات به فارسی نوشت که بین علما و مشایخ شبه‌قاره شهرت دارد.

خلاصه این که خانقاه‌های صوفیان بنگال بدون هیچ شک و تردیدی مرکز علوم دینی و فرهنگی و زبان فارسی بوده است. نه تنها در حدود بنگال بلکه در سراسر شبه‌قاره هند و پاکستان و بنگلادش، صوفیه و علما مشعل روحانیت و اسلام را درخشان و تابان نگاه داشتند. این سخن درستی است که صوفیان در پیشرفت آداب اجتماعی مردم بنگال از نظر فرهنگ و زبان فارسی و تمدن اسلامی سهم بسزایی داشتند.

گفتنی است که نقش صوفیان در نفوذ زبان فارسی تا قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی هم چنان ادامه داشت.

### تأثیر فارسی بر زبان بنگالی در دوران مغولان

در زمان شاهان مغول در بنگال، زبان فارسی بیش تر مورد توجه قرار گرفت. در دوره حکومت اکبرشاه (۱۵۴۲-۱۶۰۵ م.) بنگال تحت حکومت مغولان آمد. در دوران مغولان، به ویژه بعد از این که پایتخت داکا برپا شد، گسترش فارسی بیش از پیش در اولویت قرار گرفت. گرچه قبل از حکومت مغولان از زبان فارسی به عنوان زبان اداری استفاده می شد، زبان دینی و مذهبی این منطقه، زبان عربی بود. اما از آغاز زمان حکومت مغولان، زبان فارسی نه فقط در امور اداری، که در سایر موارد هم به کار رفت و در سکه ها، کتیبه های مساجد و بناهای مهم، امور مالیاتی، علوم و تحصیلات زبان فارسی راه یافت. از این رو هندوان هم به یاد گرفتن فارسی می پرداختند؛ در نتیجه زبان فارسی به فرهنگ و ادب و زبان محلی (زبان بنگالی) نفوذ زیادی یافت و آثاری که در دوره های مغولان به زبان بنگالی به وجود آمدند، خواه ناخواه و به طور مستقیم یا غیرمستقیم از زبان فارسی تأثیر پذیرفتند. در دوره حکومت اکبرشاه، میرزا جعفر بگ - که از دهلی به بنگال مهاجرت کرده و در آنجا سکونت گزیده بود - به تقلید از نظامی گنجوی، مثنوی «شیرین و خسرو» را سرود.

در زمانی که شهزاده شجاع، شعبه دار بنگال بود (۱۶۳۹-۱۶۴۰، ۱۶۵۲-۱۶۶۰ م.)، علاول (۱۶۰۰-۱۶۸۰ م.) شاعر بنگالی زبان و ملک الشعراء دربار شاه شجاع، با پشتیبانی شاه شجاع، «اسکندرنامه» و «هفت پیکر» نظامی گنجوی را به زبان بنگالی برگرداند. از حمد و نعتی که علاول به زبان بنگالی سروده، معلوم می شود که اصل اشعار به زبان فارسی بوده است. هم چنین علاول «داستان سیف الملوک و بدیع الجمال» را نیز به زبان بنگالی ترجمه کرد.

درواقع از همان دوره ترجمه، آثار ادبی فارسی به زبان بنگالی راه یافت. اولین کتابی که از فارسی به زبان بنگالی ترجمه شد، «داستان سیف الملوک و بدیع الجمال» است که دونا غازی از اهالی چاندپور به زبان بنگالی برگرداند. سپس عبدالحکیم شاه (۱۶۲۰-۱۶۸۰ م.) - که یکی از برجسته ترین نویسندگان عهد خود محسوب می شد - به تقلید از محمد صغیر «داستان یوسف و زلیخا» را از منابع فارسی به زبان بنگالی

برگرداند. در اوایل قرن هفدهم میلادی، محمد نوازش خان قصه «گل و بگاولی» را به زبان بنگالی برگرداند. همین داستان را محمد مقیم در ۱۷۶۰ م. ترجمه کرد. عبدالکریم خوندکار از اهالی برمه کتاب «ده مجلس» را به زبان بنگالی ترجمه کرد. به همین ترتیب تا اواخر قرن هیجدهم میلادی بسیاری از کتاب‌های مهم فارسی به زبان فارسی برگردانده شد.

قدیمی‌ترین ترجمه شاهنامه فردوسی، به دست محمدخان که اهل بنگال غربی بود به نام شاهنامه بزرگ صحیح انجام گرفت. این ترجمه به سخن منظوم است که در زبان بنگالی به اسم «ادبیات عامه» خوانده می‌شود. «ادبیات عامه» به رسم الخط فارسی نوشته می‌شد و زبانش بنگالی بود. متأسفانه نخستین سال چاپ این کتاب مشخص نیست. طبع دوم این کتاب با توجه به تاریخ طبع مندرج در آن، به سال ۱۸۸۶ م. انجام پذیرفته و مشتمل است بر ۳۴۵ صفحه و طبع سوم از این ترجمه منظوم نیز در سال ۱۹۳۷ م. در کلکته صورت گرفته است. از کتاب برمی‌آید که از بیش‌تر از صدسال پیش روش ترجمه شاهنامه فردوسی و احوال او به زبان بنگالی آغاز شده بوده و در مقابل دیگر زبان‌های اروپایی و خاوری، زبان بنگالی در این مورد عقب نمانده است.

در این زمانه منظومه‌ها و اشعاری درباره واقعه کربلا در زبان بنگالی به وجود آمدند که کاملاً ناشی از مفاهیم زبان فارسی است. در سال ۱۶۳۵ م. محمدخان کتابی به عنوان مقتل حسین نوشت. شاعر دیگری به نام یعقوب علی جنگ شیرباز با قاسم و فریاد سکیته را به تحریر درآورد. در ۱۶۸۴ م. عبدالنسی از اهالی چیتاگانگ، زندگانی امیرحمزه را با عنوان امیرنامه ترجمه کرد. شاعر بزرگ بنگال، غریب‌الله فقیر کتاب امیر حمزه، جلد اول را نوشت. شاعر دیگری به نام سیدحمزه به تتبع غریب‌الله فقیر، کتاب دیگری درباره امیرحمزه نوشت. در ۱۷۲۳ م. شاعر محمود جنگ‌نامه را به تحریر درآورد. پس از آن شاه صغیر درباره شجاعت و مردانگی حضرت علی (علیه‌السلام) کتابی به نام جنگ‌نامه تحریر کرد.

بعد از شاه شجاع، یعنی در زمان سلطنت اورنگ‌زیب عالم‌گیر میر جملہ (۱۶۶۰-۱۶۶۳ م.) و شایسته‌خان (۱۶۶۳-۱۶۷۷ م.) حکومت بنگال را به عهده داشتند. در زمان ایشان فارسی به زبان بنگالی به قدری نفوذ پیدا کرده بود که اغلب اشعار و منظومه‌هایی که در این زمان به زبان بنگالی نگاشته شد، پیرامون حوادث کربلا، شخصیت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه‌السلام و

شخصیت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بود که به عنوان مثال جنگ حنیفه و امیرجنگ را می توان نام برد.

تا اواخر قرن هفدهم میلادی، روابط زبان فارسی با بنگالی رو به افزایش بود و به علت سادگی و روانی زبان فارسی، در زبان بنگالی «ادبیات پوتهی» ایجاد شد. هدف اصلی ایجاد «ادبیات پوتهی» این بود که به جای استفاده از واژه های سنسکریت در زبان بنگالی، از واژه های فارسی استفاده شود و بر طبق آن نویسندگان مسلمان بنگالی زبان سعی می کردند که به واسطه «ادبیات پوتهی» بسیاری از واژه های زبان فارسی را به زبان بنگالی وارد کنند. بدین ترتیب، تعداد زیادی واژه فارسی به زبان بنگالی وارد شد. ادبیات پوتهی به علت سادگی و روانی، امروز هم در روستاهای بنگلادش مورد پسند است و مردم روستاهای بنگلادش معمولاً هر شب دور یک پوتهی خوان جمع می شوند و از قصه بسیار لذت می برند. اهمیت ادبیات پوتهی در این نکته هم هست که در آن روح دین اسلام وجود دارد. ابوالفضل، وزیر سابق آموزش و پرورش بنگلادش راجع به ادبیات پوتهی نوشته است:

حتی ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال پیش، پاکستان شرقی (بنگلادش کنونی) دارای ادبیات بومی بسیار قوی ای به نام ادبیات پوتهی بود که آن روزها عمده ترین منشأ سرگرمی مادی و معنوی مردم روستاها محسوب می شد.

## ورود شرکت هندی شرقی بریتانیا و برکناری فارسی از زبان رسمی بنگال

در ۱۷۵۷ م. شرکت شرقی هند بریتانیا به بنگال وارد شد و در جنگ «پلاسی» حاکم بنگال سراج الدوله را شکست داد و حکومت بنگال را به دست خود گرفت. آنان در ماه سپتامبر ۱۷۷۲ م. پایتخت بنگال را از داکا به کلکته منتقل نمودند. در نتیجه رفته رفته داکا رونق خود را از دست داد و کلکته از هر جهت رونق گرفت. بعد از انتقال پایتخت بنگال گرچه کارهای اداری و مالیاتی دولت هم به زبان فارسی و هم بنگالی انجام می شد، تا سال ۱۸۳۷ م. برای انجام کار دادگستری فقط از زبان فارسی استفاده می شد؛ زیرا در این زمینه واژه در حد کافی به زبانی غیر از زبان فارسی وجود نداشت. از این رو شرکت شرقی هند مجبور بود به مأموران خود زبان فارسی را یاد بدهد و به کسانی که به یادگیری زبان فارسی می پرداختند، از طرف دولت بورس نیز داده می شد. در ۱۷۷۸ م. چارلچ ولکینس (۱۷۴۹-۱۸۳۰ م.) حروف ماشین نویسی فارسی را

اختراع کرد. این جریان، گسترش زبان و ادبیات فارسی را در بنگال دوچندان کرد. در کنار چاپ فراوان کتاب‌های فارسی، مجله و فصلنامه و نشریه فارسی هم به وجود آمد. آمار نشان می‌دهد که کتاب‌ها و ترجمه‌های فارسی‌ای که در قرن نوزدهم میلادی به زبان بنگالی به چاپ رسیده است، تعدادشان از کتاب‌هایی که از قرن سیزدهم تا قرن هیجدهم میلادی به چاپ رسیده، بیش‌تر است. ولی از اواسط قرن نوزدهم میلادی به سبب پشتیبانی دولت، زبان فارسی تضعیف شد؛ زیرا دولت شرکت هند شرقی سعی می‌کرد به جای زبان فارسی زبان خود را (انگلیسی) به عنوان زبان رسمی هند جایگزین کند. به همین سبب در ۲۱ نوامبر ۱۸۳۷ م. رئیس شورای هند (President of the Council of India) با صدور اعلامیه‌ای (No. XXIX. 1837 AD) استفاده از زبان فارسی را در امور اداری و دولتی ممنوع کرد. البته مردم به طور مکرر علیه این اعلامیه به شکل‌های مختلفی اعتراض کردند. اما دولت بنگال به این اعتراض‌ها هیچ اهمیتی نداد و بر تصمیم خود استوار ماند. در نتیجه زبان فارسی از زبان رسمی بنگال و شبه‌قاره هند تبعید شد.

نکته قابل توجه این است که زبان فارسی به قدری بین مردم عامه و دانشمندان و فرهیختگان شهرت پیدا کرده بود که گرچه با اقدام انگلیسیان، از زبان رسمی تبعید شد، در مردم و جامعه و ادبیات و فرهنگ بنگال جایگاه خود را حفظ کرد. در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها مثل گذشته، تدریس زبان و ادبیات فارسی ادامه یافت و بسیاری از شاعران بنگالی زبان به زبان فارسی شعر می‌سرودند و هم در آثار بنگالی‌شان از بسیاری از واژه‌های فارسی استفاده می‌کردند. این جنبش امروز هم ادامه دارد.

علاوه بر این در قرن نوزدهم میلادی نیز شاعران این مرز و بوم اشعاری سرودند که به تقلید از سروده‌های فارسی بود. مردم بنگالادش به سخنوران، شاعران و ادیبان ایران بسیار علاقه‌مند بودند و از خواندن کلام آن‌ها لذت می‌بردند. هنوز هم در مجالس این منطقه اشعار سعدی و حافظ و رومی و خیام خوانده می‌شود. در منظومه بنگالی، انواع نغمه‌ها مانند «مرشدی»، «معرفتی» و «باؤل» سروده می‌شود که نتیجه تأثیر سروده‌های فارسی است و افکار صوفیانه و عاشقانه (عشق و معرفت الهی) حافظ و رومی و عطار و سنایی را شرح می‌دهد. اشعار عاشقانه و غنایی در زبان بنگالی تحت نفوذ و تأثیر فارسی است. اشعار قاضی نذراالاسلام (۱۸۹۹-۱۹۷۶ م.)

شاعر ملی بنگلادش، نمونه آن است و واژه‌های فارسی با اشعار او چنان پیوند خورده است که هیچ‌گونه بیگانگی به نظر نمی‌رسد.

بسیاری از شاعران دیگر بنگلادش نیز سبک‌های ایرانی را در اشعار خود پذیرفته‌اند. به جرأت می‌توان گفت که زبان فارسی نه تنها بر زبان بنگالی تأثیر گذارده، بلکه موجب تقویت آن نیز شده است. «مرثیه»، «رباعی» و «مثنوی» در زبان بنگالی کاملاً از ادبیات فارسی گرفته شده است. در نتیجه، گسترش زبان و ادبیات فارسی در زبان بنگالی، شکل و قالب جدیدی را در زبان بنگالی به وجود آورده است و طی این قرن‌ها در سرزمین بنگلادش صدها عنوان کتاب به زبان فارسی نگاشته و همچنین صدها اثر فارسی به زبان بنگالی برگردانده شده است.

### واژه‌های فارسی‌ای که در زبان بنگالی به کار می‌روند

زبان‌های ایرانی و شبه‌قاره همواره بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند، چنان که زبان اوستایی بر زبان‌های شبه‌قاره. مراحل نوتر زبان اوستایی (فارسی باستان) پهلوی و فارسی امروزی (زبان فارسی در دوره اسلامی) هم همواره، به ویژه در روزگار اسلامی، بر مراحل پیشرفته‌تر زبان «ودایی» و زبان‌های پراکریت و زبان‌های جدید هند، مانند زبان اردو، زبان پنجابی و زبان بنگالی تأثیر زیادی داشته است. با آن‌که زمان شکل‌گیری کامل زبان بنگالی را دوره اسلامی دانسته‌اند، تأثیرپذیری این زبان از زبان فارسی حتی پیش‌تر از دوره اسلامی آغاز شده بود. نخست از آن‌رو که زبان‌های دو سرزمین بنگال (جز زبان‌های دراویدی) هم‌ریشه بودند و دیگر، به سبب وجود شباهت‌ها و اجزای مشترک میان زبان‌های کهن‌تر فارسی و زبان ابتدایی بنگالی که بخشی از این شباهت مربوط به کلماتی مثل پوسته، پیک، سکه، موچک (کفش دوز) و... است که از فارسی باستان و پهلوی به زبان ابتدایی بنگالی راه یافته بودند. اما پس از اسلام، در قرن پنجم هجری با ورود محمود غزنوی، شهاب‌الدین غوری و قطب‌الدین ایبک به شبه‌قاره، زبان‌های این سرزمین از جمله زبان ابتدایی بنگالی، هرچه بیش‌تر تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفت. گفتنی است که از زمان بختیار خلجی تا حدود ۸۰ سال بعد از ورود شرکت هند شرقی بریتانیا، یعنی تقریباً شش و نیم قرن زبان فارسی زبان رسمی بنگال بود و بعد از آن هم در میان مردم، این زبان رواج داشت. طی این قرن‌ها توده واژه‌های فارسی و به همراه آن واژه‌های عربی و اصطلاحات دینی به زبان بنگالی راه یافته است

که امروز هم در زندگی روزمره مردم بنگلادش از آن استفاده می‌شود. زبان فارسی در زبان بنگالی به طوری گسترده و تأثیر آن در زبان بنگالی به حدی رسیده است که اگر کسی بخواهد واژه‌های فارسی را از آن بیرون بکشد، زبان بنگالی دچار مشکل و تزلزل خواهد شد. در زبان بنگالی کلماتی بوده که تحت تأثیر واژه‌های فارسی از بین رفته‌اند. به عنوان مثال چند نمونه ارائه می‌شود:

کمر (gvSv / مزها)، بغل (kvuLZjx / کنخ تالی)، وداع (tgjvwb / ملانی)، جهاز (cywnZ / بهیت)، نالش (tMvnvix / گوهارى)، ضامن (ivLx / رخی)، زمین (iu~B / بوین)، خرگوش ("kkvi / ششارو)، مرغ (KzKov / کوکرا)، باز (kqPvb / شایجان)، شکار (Atn / هر)، گرم (ZvZv / تاتا) آینه (Avikx / رشی)، چالاک (tmqvbv / شیانا)، لگام (cvM / باگ)، غریب ( $i\frac{1}{4}$  / رانگا)، دکان (ckvi / پوشار)، دروازه (t'Vi / دور)، جایگاه (VvuB / تهایی)، پشم (tivuqv / روا)، قلم (WjLwb / لیخانی).

در مثال‌های بالا، واژه‌های داخل پرانتز، واژه‌های بنگالی بوده که امروز کاملاً از بین رفته‌اند و به جای آن‌ها از واژه‌های فارسی استفاده می‌شود. جالب این است که اگر امروز به یک بنگالی زبان گفته شود این واژه‌ها فارسی و واژه‌های داخل پرانتز بنگالی است، نه فقط تعجب خواهد کرد، بلکه اصلاً باور نخواهد کرد.

۲۵۰۰ واژه فارسی به زبان بنگالی راه یافته و افزون بر این تعداد، ۲۰۰ واژه فارسی در زبان مسلمانان جنوب شرقی بنگلادش به کار رفته است. عطا کریم برق نیز کم‌وبیش ۴۰۰۰ واژه و ۱۰۰۰ اصطلاح و مثل را که به زبان بنگالی راه یافته‌اند، شناسایی کرده است. دکتر مقصود هلالی (۱۹۰۰-۱۹۶۱ م.) فرهنگی به نام عناصر فارسی و عربی در زبان بنگالی به تحریر درآورده است و در آن توضیح داده است که تقریباً ۶۰۰۰ لغت و اصطلاح فارسی و عربی در زبان بنگالی وجود دارد. به نظر برخی از زبان‌شناسان این تعداد به ۱۰۰۰۰ نیز می‌رسد که برابر با ۴۰ درصد واژگان زبان بنگالی است.

واژه‌های فارسی‌ای را که در زبان بنگالی به کار می‌رود می‌توان به دسته‌های ذیل تقسیم‌بندی کرد:

واژگان حوزه دادگاه و دادگستری:

وصیت‌نامه، پیشکار، قانون، جلسه، پروانه، پیاده، گرفتار، فرمان، خزانه، منشی،



وکالت نامه، آیین، دستور، نالش، مقدمه، فیصله، میاد (مدت)، قیدی، قیدخانه، گرفتار.

اعضای بدن:

پا، ران، بازو، بدن، زبان، سر، پیشانی، کمر، پوست، چهره، صورت، دل، سینه، گردن، ناخن، زلف، پنجه.

واژگان حوزه لباس و پوشاک:

چادر، عمامه، جبه، عبا، پرده، شلوار، پیراهن، پوشاک، بازوبند، کمر بند.

اسامی اشخاص و جاها:

افروزه، عالمگیر، جهانگیر، دلربا، دل افروز، نور جهان، گلبدن، خدابخش، گوهرجان، آرزو، رونق، فردوسی، زینت آرا، بنزین آرا، جمشید، کنیز.

اسامی خویشاوندان:

بابا، ما، باجی، داماد، بچه، شوهر، کنیز، غلام، دوست، یار، دشمن.

اسامی پرنده‌ها و جانوران:

گابهی (گاو)، شیر، بلبل، کیوتر، باز، طوطا (طوطی).

اسامی غذاها:

پلو، قورمه، بریانی، کوفته، گوشت، پنیر، چا (چای)، حلوا، کباب، قیمه، مربه، سبزی، سیب، آنار، انگور، خوراک، بادام، کشمش، ناشتا (صبحانه).

اصطلاحات دینی و مذهبی:

پیغمبر، خدا، بندگی، قربانی، بهشت، دوزخ، ملا، نماز، روزه، پرهیزگار، جای نماز.

موارد املاک و حکومت و جنگ:

زمین، زمین دار، خزانه، خاص، دانگ، پرچه، نقل، تحصیلدار، اجاره دار، جایگیردار،

موارد فرهنگ و تمدن:

آیین، چشمه (عینک)، دالان، باغ، باغچه، مخمال، فرش، قالیچه، عطر، رومال، توشک، بالش، لهاب.

موارد تحصیل و تحریر:

ادب، کاغذ، قلم، قصه، غزل.

اسامی مکان‌ها:

آستانه، آسمان، پیل‌خانه، بالاخانه، حمام‌خانه، غسل‌خانه، مسافر‌خانه، یتیم‌خانه، سرای‌خانه، کارخانه، گلشان، گلستان، بازار، جنگل.

موارد نژادها و حرفه‌ها:

هندو، یهودی، فرنگی، خدمت، خدمتگر، چاکر، نوکر، جادوگر، دکاندار، بازیگر، کاریگر، کنیز.

جالب این است که در زبان بنگالی کلماتی وجود دارد که اصل کلمه بنگالی است اما با اضافه شدن پیشوند یا پسوند فارسی، کلمه جدیدی ساخته شده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. با اضافه پیشوند:

معنی کلمه	کلمه جدید	پیشوند فارسی	کلمه بنگالی
ول نکن	نسور	ن (نه)	سور
دزدی، فریبی	کار چوبی	کار	چوبی

۲. با اضافهٔ پسوند:

معنی کلمه	کلمهٔ جدید	پسوند فارسی	کلمهٔ بنگالی
کسی که گانجا (تریاک) می‌خرد	گانجاخور	خور	گانجا
تنبل، بهانه‌آور	فاکیباز	باز	فاکی
ظرف پان (نوعی از گیاه)	پاندان	دان	پان
گلدانی	فولدانی	دانی	فول
حقه‌بازی، زرنگی	چالیبازی	بازی	چال
صاحب املاک	تالوکار	دار	تالوک

شایستهٔ یادآوری است واژه‌هایی که در زبان بنگالی راه یافته‌اند، به مرور زمان کم‌وبیش معنی یا تلفظشان تغییر کرده است. همچنین واژه‌هایی هست که امروز در زبان فارسی به کار نمی‌روند، اما در زبان بنگالی رواج دارد.

### پایان سخن

روابطی که صدها سال پیش بین ایران و بنگلادش برقرار شده و در نتیجهٔ آن هزارها واژه و اصطلاح فارسی و عربی به زبان بنگالی راه یافته، هزارها کتاب به دست بنگالی‌زبانان به زبان فارسی نگاشته و ترجمه شده بود، ناگهان پس از ورود شرکت هند شرقی به بنگال و به دست‌گرفتن حکومت بنگال قطع شد. گرچه بین مردم عامه، مطالعات زبان و ادبیات فارسی رواج داشته، در واقع بین دو کشور مذکور روابط دولتی به‌طور مستقیم وجود نداشت. اخیراً پس از استقلال بنگلادش، به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دوباره این روابط به‌خوبی ایجاد شده و رو به افزایش است. کم‌کم مردم دو کشور به یکدیگر نزدیک و با فرهنگ، تمدن، زبان و ادبیات همدیگر آشنا تر می‌شوند. اگر این روابط صمیمانه ادامه یابد، هر دو کشور می‌توانند با مبادلهٔ فکر، زبان و ادبیات، فرهنگ و تمدن یکدیگر را قوی‌تر و غنی‌تر سازند.

## منابع

- ابوالبشر، کلثوم: «پیوند زبان فارسی و بنگالی»، مجله دانش، شماره ۵۱.
- \_\_\_\_\_ : «آثار و ترجمه‌های ادبی فارسی به زبان بنگالی»، چکیده مقالات چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، تهران: ۱۳۸۶.
- \_\_\_\_\_ : «پیوندهای موجود در میان دو زبان فارسی و بنگالا»، مجموعه سخنرانی‌های نخستین سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه‌قاره، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۹۳ م.
- ابوالبشر کلثوم و عبدالصبور خان، محمد: «فارسی در زبان و ادبیات و فرهنگ بنگلادش» به زبان بنگالی، بررسی کلی فرهنگی بنگلادش: انجمن آسیایی بنگلادش، داکا: ۲۰۰۷ م.
- روزنامه‌امادر شامایه، داکا: شماره ۲۱ فوریه ۲۰۰۷.
- بنگلایدیدبا، قسمت فارسی (به زبان بنگالی)، داکا: انجمن آسیای بنگلادش، ۲۰۰۳.
- عبدالحی، شهیدالله و احسن، علی: تاریخ ادبیات بنگالی (به زبان بنگالی) دانشگاه داکا: ۱۹۵۷ م.
- الحق، محمد انعام: ادبیات بنگالی مسلمانان (به زبان بنگالی)، داکا: ۱۹۶۷ م.
- «گسترش فارسی در بنگلادش معاصر و اقدامات انجمن فارسی بنگلادش در دهه اخیر» (به زبان بنگالی)، یادنامه چهارمین دوسالانه انجمن فارسی بنگلادش، داکا: ۱۳۸۴.
- حافظ شیرازی: دیوان، به اهتمام سیدمحمد رضا جلالی نائینی و دکتر نذیراحمد، چاپ دوم، تهران: مرکز پخش مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲.
- رحیم، ام: تاریخ اجتماعی و فرهنگی بنگال (به زبان بنگالی)، ترجمه محمد اسدالزمان و فضل ربی، داکا: آکادمی بنگالی.
- عبدالله، محمد: ادبیات فارسی در بنگلادش (به زبان بنگالی)، داکا: بنیاد بنگلادش، ۱۹۸۳ م.
- سه‌رامی، محمد کلیم: خدمتگزاران فارسی در بنگلادش، داکا: ۱۹۹۹ م.
- شاپان، انیس الرحمن: زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش (به زبان بنگالی)، داکا: ۱۹۷۵ م.
- منظور مرشد، ابوالکلام: مجموعه آثار شهیدالله، (به زبان بنگالی) جلد سوم، داکا: آکادمی بنگالی، ۱۹۹۵ م.
- کریم‌لو، داوود: شناسنامه آموزشی کشورها، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۳.

- علیزادہ، عزیز: تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر زبان و ادبیات بنگالی، مجلہ ارتباطات  
فرہنگی: چشم انداز، شماره آبان و آذر، ۱۳۸۵.
- اورسجی، علی: فرہنگ فارسی - بنگالی - انگلیسی، داکا: ۱۹۹۸م.
- الکریم، عبد: تاریخ بنگال دورہ سلطان (بہ زبان بنگالی)، چاپ چہارم، داکا: ۱۹۹۹م.
- نصاری، سلیم، تاریخ ادبیات ایران، تہران: ۱۳۲۸.
- *Bengali Urdu Encounter* edited by Syed Ali Ahsan, Dhaka, 1962.
- Chaterji, Suniti Kumar: *the Origin and Development of the Bengali  
Language*, Calcuta, 1993.
- Hilali, Ghulam Maqsood: *Perso-Arabic Elemens in Bengali*, Dhaka,  
1967.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتانه علوم او ادب